

پاداشتی از علی دینی ترکمانی

نظریه ایرانشهری و فدرالیسم در نقد سیدجواد طباطبایی

این مطلب به‌دنبال نقدهای احسان هوشمند (شرق)، ۱۹/۲/۱۴۰۲) بر یادداشت این قلم «تجزیه‌طلبی، تالی منطقی وطن‌پرستی شوونیستی»، (شرق، ۱۵/۲/۱۴۰۲)، در چهار قسمت سامان یافته است…

صفحه ۶

سرمقاله

تقابل با خود



احمد غلامی

ایجاد هر تغییری با عمل ممکن می‌شود و در هر تغییر فاعل نیز تغییر می‌کند. مارکس تعبیر درخشانی دارد به این مضمون: «انسان… روی طبیعت بیرونی کار می‌کند و آن را تغییر می‌دهد و از این طریق در عین حال طبیعت خود را نیز دگرگون می‌کند. او بالقوگی‌های نهفته در بطن طبیعت را فعلیت می‌بخشد و بازی نیروهای آن را تابع قدرت حاکم خود می‌سازد. ما در اینجا به اشکال اولیه و غریزی کار که در سطح حیوان می‌ماند نمی‌پردازیم… کار را در شکلی فرض می‌گیریم که خصیصه کار انسانی است. یک عنکبوت عملی را انجام می‌دهد که به‌عمل ایک بافته ششپه است، و زنبور با ساختن خانه‌های ششک لانه‌های خود، بسیاری از معماران انسانی را خجالت‌زده می‌کند. اما آنچه بدترین معمار را از بهترین زنبور متمایز می‌کند این است که معمار پیش از ساختن خانه‌های ششک از موم آنها را در ذهن خود می‌سازد. در پایان هر فرایند کار، نتیجه‌ای حاصل می‌شود که از آغاز در ذهن کارگر بوده است و بنابراین، قبلا در قالب ایده وجود داشته است».
این تعبیر از مارکس آنچه را که ما در پی آن هستیم صورت‌بندی می‌کند: «ایده، بالقوگی و عمل». اگر بخواهیم این مفاهیم را به جامعه کنونی تسری بدهیم، همان‌طور که در نگاه مارکس، تغییر در شکل ماده با کار توسط فاعل صورت می‌گیرد، تغییرات بنیادی هم با عمل ایجاد خواهد شد. در واقع می‌توان گفت توان بالقوه‌ای در جامعه وجود دارد که اگر با ایده‌ای همدست شود، بالاخره مجال نمایان‌شدن پیدا خواهد کرد و آنچه موجب این می‌شود عمل عمل‌گراست یا همان فاعل و کننده کار که نه‌تنها موجب تغییر می‌شود بلکه خود نیز تغییر می‌کند. این یک وضعیت انترزاعی نیست، اگر به جامعه ایران نگاه کنیم تغییرات ظاهری و باطنی‌اش آشکار است. مردم جامعه ایران، مردم یک سال گذشته نیستند. مردمی‌اند که تلاش کرده‌اند تا تغییرات سیاسی و اجتماعی پیدا کنند و با اینکه در تحقق ایده‌شان کامیاب نبوده‌اند، اما به همان میزان که درصدد بودند این تغییر را محقق کنند، خود نیز تغییر کرده‌اند. به تعبیر آرنث «کسی که عمل می‌کند، چون همواره در میان موجودات عمل‌ورز دیگر و در ارتباط با آنها حرکت می‌کند، هیچ‌گاه صرفا فاعل نیست بلکه همواره و در عین حال عمل‌پذیر نیز هست. عمل‌ورزی و عمل‌پذیری مثل دوروی یک سکه‌اند و داستانی که عمل آن را می‌سازد مرکب از فعل‌ها و انفعال‌های منتج از آن است. این نتایج بی‌کران‌اند، زیرا عمل گرچه ممکن است به عبارتی از هیچ‌جا پدید آید اما درون محیطی جاری می‌شود که در آن هر عکس‌العملی بدل به زنجیره‌ای از عکس‌العمل‌ها و هر فرایندی موجب فرایندهای تازه می‌شود».
دولت‌ها تلاش می‌کنند تغییرات بیرونی را با اعمال نظم قاعده‌مند کرده و آن را مطابق الگوی دولت درونی کنند. لویاتان ماهی‌های کوچک را می‌بلعد تا آنان را هضم و درونی کند. هر دولت مقتدری چنین کاری خواهد کرد، چراکه می‌داند فاعلان این تغییرات در حین حرکت هم تغییر می‌کنند و هم در یک «سطح همسازی با ترکیب» با امر بیرونی به چیزی بیش از خودشان تبدیل می‌شوند. دولت‌های ایران به‌خوبی این‌گونه تغییرات را تجربه کرده‌اند. آنان دولت‌های برآمده از انقلاب‌اند که جنگ بزرگی را نیز پشت سر گذاشته‌اند. پس در تجربه زیسته آنان این وضعیت و مفاهیم به‌روشنی قابل درک و هضم است. اگر دولت سیزدهم در همه‌جیز استناست، در این یک مورد نیز استناست. در پی رویدادهای سال گذشته دولت برای کنترل وضعیت این بیرون‌سپاری کرد. اگر هر دولتی به‌جز دولت سیزدهم این استراتژی را انتخاب می‌کرد با اینکه مورد نقد نهادهای رسمی قرار می‌گرفت اما می‌توانست تا حدودی خودش را بسا جریانات اجتماعی همسان‌سازی کند. این امر موجب شد دولت از الگوی ثابت خود که همانا درونی‌سازی هر قدرتی درون خودش است عقب بنشیند. از این‌رو است که دولت سیزدهم در وضعیت کنونی دچار تغییر در مواجهه با امر اجتماعی شد است و نه می‌تواند به تغییر به وجود آمده از سوی مردم تن بدهد و مهر تاییدی بر آن بزند و نه می‌تواند بسا حفظ باورهای خود از مردم دفاع کند. از این‌رو ناگزیر است متغعلانه برخورد کند که این ذات دولت‌بماهو دولت در تضاد است. دولت ناگزیر است طبق الگوی درونی‌سازی مخالفان خود را سازمان‌دهی کرده و در شیوه سلسله‌مراتبی آن را حذف و جذب کند. این عمل در تقابل با سطح همساز است که جریانات اجتماعی به آن رقم می‌زنند. پس مسئولیت محول‌شده به دولت «سطح سازماندهی» است که متناظر با صورت-دولت است. در سیاست هابزی، گونه‌ای سلسله‌مراتب وجود دارد که مبتنی بر واگذاری توان‌هاست؛ سازمانی عمودی و هرمی که در آن توان‌ها از پایین به بالا، از قاعده به رأس واگذار می‌شوند. با این تعبیر دولتی که توانایی چنین سازماندهی‌ای را نداشته باشد ناگزیر در تقابل با خود قرار گرفته و در سطح همسازی جریانات اجتماعی حذف و از معنای وجودی خود تهی خواهد شد.

❖ برای نوشتن این یادداشت از کتاب «توان عمل، آرنث با دلوز و گواتری»، سوزان ماری مکلا، ترجمه عادل مشایخی، نشر نگاه استفاده شده است.



شنبه ۲۴ تیر ۱۴۰۲ • ۲۶ ذی‌الحجه ۱۴۴۴ • ۱۵ جولای ۲۰۲۳ • سال بیستم • شماره ۴۶۰۱ • ۱۲ صفحه • ۱۵۰۰۰ تومان

در «شرق» امروز می‌خوانید: «شرق» دلایل مخالفت تندروها با قانون حجاب را بررسی می‌کند، رونمایی برلین از «استراتژی چین» و **یادداشت‌هایی از پویا نعمت‌اللهی**، ابراهیم ایوبی، عبدالرضا ناصر مقدسی

گزارش «شرق» از مناسبات و شیطنت‌های ضدایرانی اسرائیل و جمهوری آذربایجان

باکو در شکارگاه تل‌آویو

گزارش تیتربک را در صفحه ۳ بخوانید



پاتوقی به بزرگی تهران

مروری بر فعالیت‌های پی‌نتیجه شهرداری پانتخت در ساماندهی آسیب‌های اجتماعی

شرق: شهردار تهران می‌خواهد دستیار ویژه رئیس‌جمهور در امور آسیب‌های اجتماعی شود. او از همان روزهای ابتدایی حضورش در شهرداری وعده داد که معتادان متجاهر را جمع‌آوری می‌کند. او بارها در سخنانش یادآوری کرد که زاده میدان شوش است و باید نگاه ویژه‌ای به مسائل و آسیب‌های جنوب شهر داشت.

شهردار تهران با انتقاد از گذشتگان گفته بود تا به امروز شهرداری تهران مسئولیت خود را در حوزه اجتماعی نپذیرفته است. نزدیک ۲۱ هزار معتاد متجاهر در شهر تهران داریم و در کنار آن کودکان خیابانی که بخشی از کودکان کار هستند، وجود دارد و با مشکلات و معضلات دیگری نیز در ارتباط با تكدی‌گری ناشی از فقر روبه‌رو هستیم و قطعا شهرداری تهران در راستای رفع این آسیب‌ها اقدامات مؤثری را با مشارکت سایر بخش‌ها انجام می‌دهد. متأسفانه در سال‌های گذشته برخی از آقایان قائل به مسئولیت خود در حوزه آسیب‌های اجتماعی نبوده‌اند. اگرچه دستگاه‌های دیگر از جمله بهزیستی و… مسئولیتی در حوزه آسیب‌های اجتماعی دارند اما این مسئله منجر به سلب مسئولیت شهرداری نخواهد شد و از نگاه جدید همه باید دست به دست هم بدیم تا این معضلات را برطرف کنیم. اما با گذشته بیش از ۲۲ ماه از حضور زاکانی در شهرداری و تشکیل مداوم جلسات قرارگاه اجتماعی

یادداشت

سهم سفرهای استانی در توسعه کشاورزی چیست؟



عبدالحسین طوطبایی

پژوهشگر کشاورزی

سفرهای استانی هیئت دولت به صورتی سیستماتیک از آغاز دولت نهم در مدیریت اجرایی کشور نهادینه شد. در این سفرها رئیس دولت همراه اکثریت کابینه با تدارکات نیروهای پرشماری از نهادهای ریاست‌جمهوری، امنیتی و دستگاه‌های اجرایی استان مدنظر به‌گشت‌وگذار مدیریتی در منطقه مورد بازدید می‌پردازند. رئیس دولت در انبوه صدها پلاکارد خوشامد و ارائه سخنرانی در اجتماع استقبال‌کنندگان و تکرار آن در چند شهرستان و شرکت در جلسات اداری استان و چند افتتاح و مصوبه سرانجام به خیر و خوشی به خیابان پاستور بازمی‌گشت. در خلال این بازدیدها چند نفر از ملازمان رئیس دولت نیز تعدادی گونی‌های خالی را با انبوه شکایات و درخواست‌ها از جانب خیل نیازمندان انباشته می‌کردند. رئیس دولت هم در این اجتماعات بر خدمتگزار و حتی نوکر مردم بودن خود تاکید می‌کرد؛ نوکری که البته برای ابراز احساسات اربابانی که به دنبال مرکبش می‌دویدند، فروتانه دست تکان می‌داد. از آن پس و به‌ویژه در این مدت از دولت سیزدهم وزیر جهاد کشاورزی نیز از جمله وزرایی بوده است که سفرهای استانی را به ستی مالوف در فعالیت‌های خود گنجانیده است. سفر اخیر آقای نیخجت در همین آغاز جلوس به کرسی وزارت به استان‌های شمالی نشان از آن دارد که قرار ایشان به ادامه راه سلف است. متأسفانه بررسی اینکه آیا هدایت و تولید بخش کشاورزی کشور باید مبتنی بر این سفرهای پرهزینه و به جای توجه به تقسیمات اقلیمی، تقسیمات استانی مدنظر باشد، تاکنون مغفول مانده است. تقسیمات کشوری براساس استان اساسا بنا بر ضرورت افزایش جمعیت و ادارات مرتبط انجام می‌شود. این شیوه تقسیمات منطقه‌ای نه‌تنها به فعالیت‌های توسعه‌کشاورزی ارتباط ندارد، بلکه چه‌بسا ناهمسو با آن هم باشد. به نظر می‌رسد برای کاهش حجم بوروکراسی موجود، باید متولی کشاورزی کشور برنامه هدایت خود را در قالب ۸ یا ۹ اقلیم موجود ساماندهی کند. چنین ساختاری هم از تکرار برنامه‌های مشابه در استان‌های هم‌اقلیم و هم از حجم بوروکراسی سنگین موجود خواهد کاست. به‌عنوان مثال سه استان شمالی یا استان‌های اصفهان، مرکزی، قم، شاهرود و سمنان و حتی تهران هرکدام در یک اقلیم آب‌وهوایی و با الزامات مشابه قرار دارند. برنامه‌های این بازدیدها هم تاکنون بیش از بررسی کاستی و تنگناهای بخش کشاورزی عمدتا از طرف مدیران استانی به‌عنوان میزبان و با هدف جلب رضایت و خشنودی متولیان انجام می‌شود. در این سفرها جمعی چنددهنفره همراه وزیر به بازدیدهای تشریفاتی از نمای فعالیت‌هایی که نشان از رونق و رشد و توسعه و توانمندی مدیران منطقه دارد، می‌پردازند.

ادامه در صفحه ۴

مدیرعامل شرکت بیمه تعاون به مناسبت دهمین سال تأسیس این بیمه اعلام کرد:

الگوبرداری از آلیانس آلمان برای ارائه بهتر خدمات

با آثار و گفتاری از: مجید مشعلچی فیروزآبادی
علی بنیادی‌ناینسی، مجتبی توانگر، ذبیح‌الله اعظمی
حجت‌الله میرزایی، جعفر امیرآبادی‌زاده، مهدی زارع
مریم سلماسی، رزا سعیدی

ویژه‌نامه بیمه تعاون را همراه با روزنامه بخوانید



زمین‌گیری بخشی از هواپیماهای مسافربری تهران را برای اجاره هواپیما دست‌به‌دامن مسکو کرد

هواپیماهای اجاره‌ای روسیه در راه ایران

«شرق» از تصمیم ضدایرانی روسیه در قبال جزایر سه‌گانه و موضع‌گیری مجلس گزارش می‌دهد

چالش منفعت‌طلبی روسی

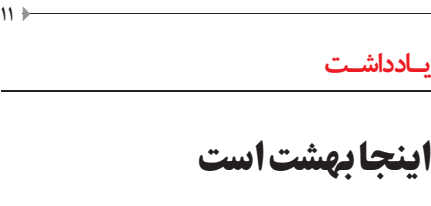
ورزشکار عذرخواهی کرد، فدراسیون خط‌ونشان کشید

داستان بحث‌برانگیز پرچم



عکس فرغ‌علی طاهری، باشکاد، خبرنگاران جوان

نگاهی به وضعیت صندوق‌های بیمه اجتماعی در برنامه هفتم توسعه **تقابل برنامه هفتم با بیمه‌های اجتماعی**



گفت‌وگو با پرویز تناولی به مناسبت **نمایشگاه «شاعر، قفل، قفس» تاب تیشه فرهاد**

یادداشت

اینجا بهشت است



وحید معتمدنژاد

از زمانی که دعا و نیایش را بر دیوار غارها و پایپروس به نقش‌نگاره مزین می‌کردند تا به امروز که تکنولوژی چاپ، سیر تکامل زندگی را بر ورق‌ی نازک به خواننده تفهیم می‌کند، مدت زمان زیادی می‌گذرد و حروف بر بندهای کاغذ شاید تا شامگاهی نزدیک با غروب رنگ ببازد و در پشت خاطره‌های فرهنگی به اجبار در اذهان داستان‌سرایی کند. حال اگر در محله‌ای اعیان‌نشین که زاویه دید آن با کوهستانی زیبا و پارک‌های سرسبز جلوه‌نمایی می‌کند انسانی علاقه‌مندبه فرهنگ از فروشگاه خود به جای فروش گران‌زینت‌های زندگی به امانتکده کتاب‌های نفیس و گرانبها مبادرت ورزیده است، این به قول مالکش امانت عشق است در سطور کتاب نه بهره و سود از کالایی لوکس، آن هم در جامعه‌ای که اقتصاد به ناحق بر گرده فرهنگ سوار است و یکه‌تازی می‌کند و چنان می‌تازد که فرهنگ زیر سم ستوران نقشی دگرگون بر بستر اجتماع رسم می‌کند! صحبت از خانواده‌ای است که فروشگاه‌ی وسیع در یک مرکز فروش در شمال تهران (ولنجک) تحت عنوان «باغ کتাব ملک ولنجک» را تبدیل به امانتکده بیش از ۸۹ هزار جلد کتاب کرده‌اند که روزانه خیل عظیمی از مشتاقان کتاب به امانت از این محل برمی‌دارند و پس از مطالعه عودت می‌دهند. هیچ کتابی در اینجا به فروش نمی‌رسد و تماما به صورت امانت است و جالب‌تر آنکه به نقل از مالک این درگاه فرهنگی گاهی از قاچاقچیان کتاب هم پایشان به این محل باز شده تا با امانت‌گرفتن بی‌برگشت از سفره فرهنگ نانی ولو نادرست و غلط اطعام کنند!



انا لله و انا الیه راجعون

به مناسبت یادبود درگذشت مرحوم مغفور

حاج اسد اشتریان

(بزرگ خاندان)

فرزند مرحوم محمد طاهر اشتریان

و پدر گرانقدر آقایان: پرویز، خسرو، کیومرث

و خانم‌ها مر ضیه و خدیجه اشتریان

مراسمی روز یکشنبه ۱۴۰۲/۴/۲۵ از ساعت ۱۷ الی ۱۹

در تهران، خیابان خرمشهر، پلاک ۶۲

سالن اجتماعات میزان، برگزار می‌شود.

خانواده‌های داغدار: اشتریان، فلاحی، میره می، زنگنه

ناصری، شبانی، عبیدی، فلاحی‌پور، منتظر‌بانی، مرادی (زعفران)

کیسویی، آفتابیان، ایزدی، قاسمی، گهریزی و سایر بستگان

دوستی و منافع می‌ستجیم.

ادامه در صفحه ۴